

## دیپلماسی ورزشی: ارتباط بین قدرت نرم و حکمرانی خوب جهانی در روابط بین المللی

بهاره نکونام<sup>۱</sup>

### چکیده

دیپلماسی ورزشی در دهه‌های اخیر به یکی از ابزارهای مهم قدرت نرم کشورها در روابط بین‌الملل تبدیل شده است؛ با این حال، نقش حکمرانی خوب جهانی در تقویت یا تضعیف اثربخشی این ابزار، همچنان به صورت نظری و تجربی کمتر واکاوی شده است. هدف اصلی این پژوهش بررسی ارتباط حکمرانی خوب جهانی بر کارکرد دیپلماسی ورزشی در چارچوب قدرت نرم بود. این پژوهش با رویکرد کیفی و مطالعه موردی تطبیقی، دو رویداد المپیک ۲۰۰۸ پکن و جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ روسیه را بر اساس چارچوب نظری قدرت نرم جوزف نای مورد تحلیل قرار داد. داده‌ها از اسناد رسمی نهادهای بین‌المللی، گزارش‌های نظارتی و منابع علمی معتبر گردآوری و با استفاده از تحلیل مضمون تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که دیپلماسی ورزشی در هر دو رویداد، در بعد «جذابیت فرهنگی و نمادین» قدرت نرم نسبتاً موفق عمل کرده است؛ اما ضعف در ابعاد حکمرانی خوب به‌ویژه شفافیت، پاسخگویی و رعایت حقوق بنیادین، موجب تضعیف پایداری و اعتبار بین‌المللی این دستاوردها شده است. نتایج مقایسه تطبیقی چین و روسیه حاکی از آن است که قدرت نرم حاصل از دیپلماسی ورزشی، در غیاب حکمرانی خوب، بیش از آنکه به نفوذ پایدار در نظام بین‌الملل منجر شود، کارکردی کوتاه‌مدت و عمدتاً داخلی پیدا می‌کند.

### کلیدواژه‌ها:

دیپلماسی ورزشی، قدرت نرم، حکمرانی خوب، المپیک پکن، جام جهانی روسیه.

۴

سال سوم

بهار و تابستان ۱۴۰۶

### مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۹/۱۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۱۰/۱۷

صفحه: ۲۹-۱

شاپای الکترونیکی:

۳۱۱۵-۹۴۱۹



۱. استادیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، آموزش عالی رحمان، رامسر، ایران.

## مقدمه و بیان مسئله

کشورها تعاملات مداومی با یکدیگر در مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی دارند. براساس دیدگاه واقع‌گرایانه مورگنتو، تعارض بین ملت‌ها همیشه وجود دارد، ولی ابزارهای دیپلماتیک مانند دیپلماسی ورزشی به‌عنوان اولین انتخاب اقدام، تلقی نمی‌شوند (مورگنتو<sup>۱</sup>، ۱۹۴۸). با این حال، دیدگاه لیبرالیستی بر تعامل دولت‌ها تأکید دارد و صلح را بر دیدگاه واقع‌گرایانه ترجیح می‌دهند. از نظر لیبرال‌ها، ابزارهای جایگزینی مانند دیپلماسی ورزشی و دیپلماسی اقتصادی نیز برای تضمین صلح وجود دارد. دیپلماسی مدرن به قرن پنجم باز می‌گردد، جایی که هدف دیپلماسی ایجاد رسانه‌ای برای ارتباط بین پادشاه و دولت بود (کیسینجر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴) اما امروزه، دیپلماسی به‌مثابه «مدیریت روابط بین‌المللی از طریق فرآیند مذاکره» تعریف شده است (آگوسه<sup>۳</sup>، ۲۰۲۳). پس از برگزاری مذاکرات دیپلماتیک رسمی میان دولت‌ها، تعاملات در چارچوب انواع دیگر دیپلماسی نیز شکل می‌گیرند. در قرن بیستم، ابزارهای نوین ارتباطی از جمله دیپلماسی ورزشی، پدیدار شدند (مورای<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). دیپلماسی ورزشی از دیرباز ابزاری برای تقویت همکاری، تأثیرگذاری بر گفتمان سیاسی و ساخت روابط بین‌المللی بوده است. ریشه‌های آن به یونان باستان بازمی‌گردد، جایی که بازی‌های المپیک صلح موقتی را میان شهر یا دولت‌های در حال جنگ برقرار می‌کردند تا خصومت‌ها مانع برگزاری رویداد نشود. امروزه، سازمان‌هایی مانند کمیته بین‌المللی المپیک و فدراسیون‌های ورزشی بین‌المللی از ورزش به‌عنوان ابزار دیپلماتیک جهانی استفاده می‌کنند تا تعامل میان ملت‌ها را افزایش دهند و به دیپلماسی قدرت نرم کمک کنند (گارگالیانوس<sup>۵</sup>، ۲۰۲۵).

می‌توان با اطمینان اظهار داشت که ورزش به‌عنوان یکی از عوامل اصلی ایجاد همبستگی و رقابت میان ملت‌ها ایفای نقش کرده است. رویدادهای بزرگ ورزشی و بین‌المللی، ظرفیت فراتر رفتن از محدودیت‌های جغرافیایی، ایدئولوژی‌ها و فرهنگ‌های ملی و منطقه‌ای را دارا بوده و

<sup>۱</sup> Morgenthau

<sup>۲</sup> Kissinger

<sup>۳</sup> Ogunseye

<sup>۴</sup> Murray

<sup>۵</sup> Gargalianos

مفاهیم رقابت و دوستی را به صورت هم افزا به هم پیوند می دهند. بر اساس منشور بین المللی آموزش بدنی و ورزش یونسکو، ورزش به عنوان ابزاری برای ترویج شجاعت، عدالت، حکمت و اعتماد به نفس معرفی شده است (یونسکو، ۲۰۱۵). این منشور، ورزش را به زبانی جهانی تبدیل کرده که از مرزهای جغرافیایی، فرهنگی، و سیاسی فراتر می رود و مفهومی مانند «آتش بس المپیک» را برای هم گرایی فرهنگ ها به ارمغان آورده است (لوند و سلیماس، ۲۰۰۹). محبوبیت فزاینده دیپلماسی ورزشی، امکان ایجاد پل هایی میان ملت ها را فراهم کرده و تعاملات بین المللی را تسهیل می کند. با افزایش محبوبیت ورزش و ساختارمند شدن رقابت های بین المللی، نقش آن در دیپلماسی فرهنگی اجتناب ناپذیر شده است. مرورهای اخیر نشان می دهند که ادبیات دیپلماسی ورزشی در دو دهه اخیر به طور چشمگیری افزایش یافته و جنبه های چندرشته ای (سیاست، تاریخ، مدیریت ورزشی) را پوشش می دهد (پست لویتویت<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۳). ادبیات دیپلماسی ورزشی دیدگاه های متنوعی ارائه می دهد: از ورزش شویی (گریکس و برانگان<sup>۳</sup>، ۲۰۲۴) که دولت ها از رویدادهای ورزشی برای بهبود شهرت و پنهان کردن مسائل حقوق بشری استفاده می کنند، تا نقش آن در حل منازعات و صلح سازی (مورای و پیگمان<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴)، و ابعاد اقتصادی- استراتژیک مانند برندسازی ملی و نفوذ جهانی (پیگمان و روف<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳).

برای نمونه، برگزاری مشترک یوفا یورو ۲۰۱۲ توسط لهستان و اوکراین (یوفا<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲) و یورو ۲۰۲۱ با مشارکت سیزده کشور اروپایی، به تقویت روابط دوجانبه و همکاری های منطقه ای کمک کرده است (یبی جان<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). برگزاری مشترک جام جهانی ۲۰۲۶ توسط ایالات متحده، کانادا، و مکزیک ادامه روند دیپلماسی ورزشی است. این رویداد، با ۴۸ تیم و تمرکز بر همکاری آمریکای شمالی، نمادی از دیپلماسی منطقه ای و قدرت نرم در عصر چندجانبه گرایی است (فیفا<sup>۸</sup>، ۲۰۲۳). این روند با یورو ۲۰۲۸ ادامه می یابد که توسط انگلستان، اسکاتلند، ولز،

<sup>۱</sup> Loland, S., & Selliaas

<sup>۲</sup> Postlethwaite et al

<sup>۳</sup> Grix & Brannagan

<sup>۴</sup> Murray & Pigman

<sup>۵</sup> Rofe

<sup>۶</sup> UEFA

<sup>۷</sup> Beebejaun

<sup>۸</sup>. FIFA

جمهوری ایرلند و ایرلند شمالی مشترکاً میزبانی می‌شود؛ این رویداد، با تمرکز بر پایداری و همبستگی اروپایی، نمادی از دیپلماسی ورزشی در عصر پسابریگزیت<sup>۱</sup> و چالش‌های ژئوپلیتیکی است (یوفا<sup>۲</sup>، ۲۰۲۳).

دیپلماسی ورزشی به‌عنوان استفاده از ورزش برای تقویت روابط بین‌المللی، ایجاد پیوندهای فرهنگی و ترویج صلح و هماهنگی تعریف می‌شود (نهاد بین‌المللی پژوهشی در حوزه دیپلماسی<sup>۳</sup>، ۲۰۲۴). دیپلماسی ورزشی به استفاده از تیم‌های ورزشی، ورزشکاران و رویدادهای ورزشی به‌عنوان ابزاری برای انتقال پیام‌های دیپلماتیک ملت‌ها، ارتقای صلح جهانی و تقویت تبادلات فرهنگی بین کشورها اشاره دارد (مورای و پیگمن<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴). دیپلماسی ورزشی به حکومت‌ها این اجازه را می‌دهد تا انعطاف‌پذیری قابل توجهی در زمانی که روابط دیپلماتیک آنها ضعیف است، در آنسوی وضعیت سیاسی از خود نشان دهند؛ تعاملات دیپلماسی ورزشی، مسیری نرم برای کشف تغییرات سیاسی محتمل است و مسیری جایگزین برای گفتگو میان ملل و افراد ناآشنا ایجاد می‌کند و در مواردی ابزاری برای تحریک و یا تنبیه یک ملت است (زارع و همکاران، ۱۴۰۲). مورای و پیگمن (۲۰۱۴) دیپلماسی ورزشی را به دو گروه عمده دسته‌بندی کرده‌اند: گروه اول، دیپلماسی ورزشی کلاسیک، که در آن دولت‌ها به‌صورت آگاهانه از رویدادهای ورزشی بین‌المللی به‌عنوان وسیله‌ای برای پیشبرد اهداف دیپلماتیک بهره می‌برند. این گروه شامل اقداماتی نظیر تبادلات میان دولت‌ها یا استفاده از رویدادهای ورزشی برای کاهش تنش‌های دیپلماتیک و اصلاح سیاست‌هاست. به‌عنوان نمونه، در سال ۲۰۱۸، کره شمالی و کره جنوبی با به‌کارگیری یک پرچم مشترک، گام‌هایی برای بازسازی روابط دیپلماتیک خود برداشتند (اسنایدر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸). گروه دوم، دیپلماسی ورزشی نمایندگی، به تعاملات، گفت‌وگوها و مذاکراتی اشاره دارد که میان بازیگران غیردولتی از طریق برگزاری مستمر رقابت‌های ورزشی شکل می‌گیرد و به‌عنوان دیپلماسی غیرمعارف شناخته می‌شود. برای مثال، در جریان جام جهانی ۲۰۰۶، آلمان با گماردن مترجمان از نقاط مختلف جهان کوشید تا تصویر منفی ناشی از تاریخ نازی خود را بهبود بخشد و

۱. عصر پسابریگزیت (Post-Brexit Era) به دوره زمانی پس از خروج رسمی بریتانیا از اتحادیه اروپا اشاره دارد، که با همه‌پرسی ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶ آغاز شد و با تکمیل فرآیند خروج در ۳۱ ژانویه ۲۰۲۰ به‌طور کامل اجرایی شد.

۲. UEFA

۳. DiploFoundation

۴. Pigman

۵. Snyder

با پیش‌داوری‌های منفی دیگر کشورها مقابله کند (گریکس و هولی‌هان، ۲۰۱۴). همچنین، در رویدادی دیگر، بازدید دنیس رادمن از کره شمالی به‌عنوان نمونه‌ای از دیپلماسی سلبریتی برجسته است؛ این بسکتبالیست آمریکایی به دعوت کیم جونگ‌اون به این کشور سفر کرد و بازی نمایشی برگزار کرد که به‌طور موقت تنش‌های هسته‌ای را کاهش داد (مرکز دیپلماسی عمومی دانشگاه جنوبی کالیفرنیا<sup>۱</sup>، ۲۰۲۴).

### مبانی نظری

مفهوم «قدرت» به‌عنوان یکی از عناصر محوری در روابط بین‌الملل، همواره مورد توجه نظریه‌پردازان بوده است (بالدوین<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). در چارچوب معاصر، قدرت بیشتر به ظرفیت تأثیرگذاری بر رفتار دیگران تفسیر می‌شود و به دو شاخه قدرت سخت و قدرت نرم تفکیک می‌گردد (ماکیاولی، ۲۰۱۳). قدرت سخت، که عمدتاً با ابزارهای نظامی و اجبار همراه است، جنبه‌های فرهنگی یا نمادین مانند ورزش را نادیده می‌گیرد. در مقابل، مفهوم قدرت نرم، که توسط جوزف نای (۱۹۹۰) معرفی شد، بر اقناع از طریق جذابیت‌های فرهنگی، ارزش‌های دموکراتیک، حقوق بشر و فرصت‌های مشترک تکیه دارد. بهره‌گیری از قدرت نرم می‌تواند از طریق ابتکاراتی مانند آموزش زبان، دستاوردهای المپیک یا پیشرفت‌های کلی اقتصادی-اجتماعی یک ملت، به ارتقای شهرت جهانی آن بیانجامد (روکوود<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹). قدرت نرم اساساً توانایی ملت‌ها برای جهت‌دهی غیرمستقیم به روابط بین‌المللی به نفع خود بدون استفاده از ابزارهای اجباری است (بورگ و گوگه، ۲۰۲۳). در سال‌های اخیر، با ظهور فناوری‌های دیجیتال و تغییرات ژئوپلیتیکی، مفهوم قدرت نرم بیش از پیش بر ابعاد چندلایه‌ای خود، از جمله شاخص‌های کمی و کیفی، تأکید کرده است. برای نمونه، شاخص جهانی قدرت نرم (GSPI) که در سال ۲۰۲۴ توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF) معرفی شد، قدرت نرم را در شش بعد (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک، فناوری و پایداری) اندازه‌گیری می‌کند و نشان می‌دهد چگونه کشورها از ابزارهای غیرمستقیم مانند رویدادهای ورزشی یا دیپلماسی دیجیتال برای تأثیرگذاری استفاده می‌کنند.

<sup>۱</sup> USC Center on Public Diplomacy

<sup>۲</sup> Baldwin

<sup>۳</sup> Rookwood

(چویک و پادیلیا<sup>۱</sup>، ۲۰۲۴). این شاخص، با پوشش بیش از ۱۹۰ کشور، بر این نکته اشاره دارد که قدرت نرم نه تنها از جذابیت فرهنگی ناشی می‌شود، بلکه با شاخص‌های شفاف و قابل مقایسه، مانند رتبه‌بندی چین در سال ۲۰۲۵ به عنوان دومین قدرت نرم جهانی (با نمره ۷۲٫۸ از ۱۰۰)، می‌تواند روابط بین‌الملل را دگرگون سازد (برند فایننس<sup>۲</sup>، ۲۰۲۵). علاوه بر این، در عصر دیجیتال، قدرت نرم از طریق رسانه‌های اجتماعی و دیپلماسی عمومی تقویت می‌شود؛ جایی که کشورها با بهره‌گیری از رویدادهای ورزشی مجازی یا کمپین‌های فرهنگی آنلاین، نفوذ خود را بدون نیاز به ابزارهای سخت افزایش می‌دهند (مولر و همکاران، ۲۰۲۴). این تحولات، قدرت نرم را به ابزاری پویا برای حکمرانی جهانی تبدیل کرده و بر اهمیت آن در ترویج همکاری‌های پایدار تأکید می‌ورزد.

حکمرانی خوب جهانی در ورزش به مجموعه‌ای از اصول و استانداردهای بین‌المللی اشاره دارد که بر شفافیت، پاسخگویی، عدالت، پایداری و مشارکت دموکراتیک تأکید می‌کند. این مفهوم، که توسط نهادهایی مانند کمیته بین‌المللی المپیک و سازمان‌های وابسته به آن مانند (ASOIF) ترویج می‌شود، هدفش تضمین مدیریت اخلاقی و کارآمد ورزش در سطح جهانی است تا از سوءاستفاده‌های سیاسی، فساد و نابرابری‌ها جلوگیری شود. اصول کلیدی شامل انتخابات شفاف، تنوع و برابری جنسیتی، مدیریت مالی مسئولانه، و ادغام حقوق بشر و پایداری زیست‌محیطی است. در سال‌های اخیر، با افزایش سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و دولتی در ورزش، حکمرانی خوب به ابزاری برای تعادل بین منافع اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است. حکمرانی خوب در ورزش با تمرکز ویژه بر پایداری و تنوع جنسیتی وارد مرحله جدیدی شده است. لیگ برتر انگلیس با معرفی برنامه تعهد به پایداری محیطی در ۲۰۲۴، تیم‌ها را به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های سبز و انرژی‌های تجدیدپذیر تشویق کرد. این اقدام بخشی از تلاش‌های جهانی برای کاهش ردپای کربن در ورزش است و شامل هدف گذاری نت زیر<sup>۳</sup> تا ۲۰۴۰ می‌شود، که

<sup>۱</sup> Çevik, S., & Padilha

<sup>۲</sup>. Brand Finance

<sup>۳</sup>. نت زیرو" به حالتی اشاره دارد که در آن میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای (مانند دی‌اکسید کربن) توسط یک سازمان، کشور، یا صنعت، با میزان حذف یا جبران این گازها از جو زمین برابر شود و در کل انتشار خالص گازهای گلخانه‌ای به صفر برسد. این مفهوم بخشی از تلاش‌های جهانی برای مقابله با تغییرات اقلیمی است و بر اساس اهداف توسعه پایدار (SDGs) سازمان ملل طراحی شده است.

توسط ۷ تیم با سیاست‌های حمل‌ونقل پایدار و ۶ تیم با برنامه‌های کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای پشتیبانی می‌شود (لیگ برتر انگلیس، ۲۰۲۴، فوربز، ۲۰۲۴). در سطح بین‌المللی، فدراسیون جهانی شنا با شکایت‌های ضد انحصاری از سوی شناگران و لیگ بین‌المللی شنا در دادگاه‌های آمریکا مواجه شد. در سپتامبر ۲۰۲۴، دادگاه تجدیدنظر حکم به ادامه این پرونده‌ها داد، که بر نیاز به اصلاحات ساختاری برای جلوگیری از سوءرقابت تأکید دارد (اسکارسلا، ۲۰۲۴). در سال ۲۰۲۵، یونسکو نقشه راهی برای سیاست‌های جهانی ورزش و فعالیت بدنی منتشر کرد که بر اصول حکمرانی خوب تمرکز دارد. این سند بر برابری جنسیتی، سرمایه‌گذاری عمومی در فضاهای ورزشی، و برگزاری رویدادهای مگا (مانند المپیک) بدون دوپینگ و تقلب تأکید می‌کند. این نقشه راه، که در MINEPS VII<sup>۱</sup> سال ۲۰۲۵ ارائه شد، مسئولیت سازمان‌های ورزشی را در قبال حقوق بشر و پایداری تقویت می‌کند (یونسکو، ۲۰۲۳). در هند، لایحه ملی حکمرانی ورزشی در ۲۳ جولای ۲۰۲۵ در Lok Sabha<sup>۲</sup> معرفی شد و اصول شفافیت، انتخابات دموکراتیک، و حسابرسی مستقل را الزامی کرد. این لایحه بر هیئت کنترل کریکت هند تأثیرگذار بوده و ورزشکاران را در اولویت قرار داده است (IAS Express، ۲۰۲۵). همچنین، فدراسیون جهانی بسکتبال<sup>۳</sup> با بازسازی هیئت مدیره خود در سال ۲۰۲۴ و افزایش نمایندگی زنان (۳۵٪ در کمیسیون‌ها تا ۲۰۲۳-۲۰۲۷)، الگویی از اصلاحات ساختاری برای تنوع و شفافیت ارائه داد (فیبا، ۲۰۲۴). علی‌رغم این پیشرفت‌ها، ادبیات موجود با چالش‌های مفهومی و کاربردی روبرو است. بسیاری از مطالعات بر رویدادهای بزرگ ورزشی (مانند المپیک و جام جهانی) و ورزش حرفه‌ای تمرکز دارند، در حالی که جنبه‌های عملی، غیرحرفه‌ای و کاربرد آن در کشورهای در حال توسعه کمتر بررسی شده است (پست لویتویت، ۲۰۲۳). در زمینه کشورهای در حال توسعه مانند ایران، این شکاف برجسته‌تر است؛ جایی که ضعف در شبکه‌سازی نهادی، کمبود چارچوب‌های حکمرانی خوب، عدم ادغام اصول پایداری و شفافیت، و چالش‌های ساختاری (مانند تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی) مانع بهره‌برداری کامل از ظرفیت دیپلماسی ورزشی برای تقویت جایگاه

۱. International Conference of Ministers and Senior Officials Responsible for Physical Education and Sport

۲. لک سبها (به معنای "مجلس مردم" در زبان هندی) مجلس سفلای پارلمان هند است.

۳. FIBA

بین‌المللی شده است. علاوه بر این، چالش‌هایی مانند المپیک ۲۰۰۸ پکن یا جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه، و اثرات زیست‌محیطی منفی رویدادهای بزرگ ورزشی، اعتبار دیپلماسی ورزشی را تهدید می‌کنند. این مسائل نشان‌دهنده شکاف بین پتانسیل دیپلماسی ورزشی و اجرای عملی آن است. مسئله اصلی این پژوهش، بررسی این شکاف است که دیپلماسی ورزشی تا چه حد می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر برای قدرت نرم در روابط بین‌الملل عمل کند، و چگونه کیفیت حکمرانی خوب جهانی (در ابعاد شفافیت، پاسخگویی، پایداری و رعایت حقوق بنیادین) بر پایداری و اعتبار این ابزار تأثیر می‌گذارد؟ (مطالعه موردی: المپیک ۲۰۰۸ پکن و جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه). این مطالعه با رویکرد کیفی، تحلیل محتوای اسناد بین‌المللی، گزارش‌های رسانه‌ای معتبر و دو رویداد بزرگ کلیدی، به دنبال ارائه راهکارهایی عملی برای تقویت دیپلماسی ورزشی و ادغام آن با اصول حکمرانی خوب جهانی در روابط بین‌المللی است.

## پیشینه پژوهش

طی دهه‌ها، رویکردهای گوناگونی برای پیشبرد دیپلماسی ورزشی شکل گرفته که هر یک با هدف تقویت پیوندهای بین‌المللی طراحی شده‌اند. بر اساس مدل پیشنهادی عبدی و همکاران، دو استراتژی اصلی حفظ هماهنگی میان دیپلماسی رسمی و ورزشی و بهره‌گیری از چهره‌های ورزشی به‌عنوان سفیران فرهنگی شایسته برای دیپلماسی ورزشی برجسته شدند (عبدی و همکاران، ۲۰۱۸). هماهنگی میان دیپلماسی رسمی و ورزشی بر ضرورت هم‌راستایی سیاست‌های ورزشی یک کشور با اهداف دیپلماتیک کلان تأکید دارد و استفاده از ورزشکاران و مربیان برجسته به‌عنوان نمایندگان فرهنگی یک ملت با انتقال ارزش‌های ملی و جهانی (مانند انصاف و احترام متقابل) می‌توانند پل‌هایی برای ارتباط میان فرهنگ‌ها بسازند (کی‌یرکی، ۲۰۲۰). مطالعه ایوردی<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۵) با رویکرد کیفی و تحلیل محتوای اسناد و گزارش‌های خبری معتبر از المپیک پاریس ۲۰۲۴، سه تم اصلی قدرت نرم، منازعات ژئوپلیتیک و دوستی را شناسایی کرده و نشان می‌دهد چگونه رویدادهای ورزشی بزرگ مانند المپیک، تصویر ملی را تقویت، همکاری فرامرزی را تسهیل و تنش‌های سیاسی را مدیریت می‌کنند؛ این پژوهش چارچوبی برای بررسی تعامل ورزش و

<sup>۱</sup> Ayverdi

روابط بین‌الملل در آینده ارائه می‌دهد. پست‌لویتوت و همکاران (۲۰۲۳) در یک مرور یکپارچه بر ادبیات دیپلماسی ورزشی نشان داد که این حوزه از سال ۲۰۱۰ به بعد رشد چشمگیری داشته است. بیش از ۲۲۴ مقاله را بررسی کرد و ویژگی‌هایی مثل نوع دیپلماسی (مثل عمومی یا فرهنگی) و نتایج دیپلماتیک (مثل صلح‌سازی یا برندسازی) را دسته‌بندی کرد. به این نتیجه رسید که این حوزه عمدتاً چند رشته‌ای است (با تمرکز بر سیاست، تاریخ و روابط بین‌الملل) و بیشتر مطالعات تاریخی هستند که بر بازیگران سیاسی (مانند دولت‌ها) و نتایج دیپلماتیک (مانند صلح‌سازی، برندسازی ملی یا نفوذ خارجی) تمرکز دارند. کاستا و موریکانی<sup>۱</sup> (۲۰۲۴) با پیشنهاد طبقه‌بندی جدیدی بر اساس اعمال، بازیگران و اهداف، نشان دادند که استفاده سیاسی از ورزش فراتر از دیپلماسی عمومی رفته و مفهوم ساده‌انگارانه ورزش‌شویی ناکافی است، زیرا میزبانی رویدادها اغلب به نظارت و انتقاد بین‌المللی بیشتر منجر می‌شود نه پنهان‌کاری. مطالعات موردی ترکیه نشان می‌دهند که موفقیت‌های ورزشی و تصویر مثبت ورزشکاران، قدرت نرم این کشور را تقویت کرده و ادراک منفی رسانه‌ای را اصلاح می‌کنند (گوک<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰ و گوک سو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹). چاندا در پژوهش خود به دیپلماسی چندجانبه می‌پردازد و تأثیر و اثربخشی ورزش به‌عنوان حوزه‌ای برای دیپلماسی را مورد بحث قرار می‌دهد و اهداف رایجی مانند الف) فراهم کردن بستری غیررسمی برای گردهمایی رهبران جهان و آغاز گفتگو، ب) ارائه اطلاعات درباره کشور میزبان و آگاه‌سازی دیگران، ج) همگرایی تفاوت‌های فرهنگی و زبانی میان کشورها از طریق ورزش، د) ایجاد بستری برای توافقات تجاری و قوانین جدید بیان میکند (چاندا، ۲۰۲۵).

الدبط و همکاران، به بررسی چگونگی استفاده از رویدادهای مگا (مانند المپیک و جام جهانی) برای برندسازی ملی و دیپلماسی عمومی در کشورهای خلیج فارس، با تمرکز بر پایداری و چالش‌هایی مانند ورزش‌شویی پرداختند. پژوهش آنها تلاش‌های دولت قطر را برای بهره‌برداری از رویدادهای ورزشی، مانند جام جهانی فیفا، به منظور افزایش دیده‌شدن بین‌المللی، تقویت تبادل فرهنگی، و جذب گردشگری و سرمایه‌گذاری برجسته می‌کند. یافته‌های آنها درک عمیق‌تری از چگونگی استفاده استراتژیک و پایدار ملت‌ها از ورزش‌های شناخته‌شده و محبوب جهانی برای

<sup>۱</sup> Costa & Moriconi

<sup>۲</sup> Gök

<sup>۳</sup> Göksu

پرورش قدرت نرم، تقویت غرور ملی، و ارائه هویتی مثبت در صحنه جهانی ارائه می‌دهد (الدبط و همکاران، ۲۰۲۴). مطالعه الجمدی تعامل قدرت نرم و دیپلماسی عمومی را از طریق استراتژی‌های ارتباطی بین‌المللی عربستان سعودی بررسی می‌کند. پژوهش نشان می‌دهد که عربستان با استفاده از ابزارهای بلاغی و ابتکاراتی مانند چشم‌انداز ۲۰۳۰، دیپلماسی فرهنگی، کمپین‌های رسانه‌ای، و رویدادهای بین‌المللی، روایت‌هایی در جهت مدرن‌سازی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، و میراث فرهنگی خلق می‌کند تا کلیشه‌ها و انتقادات ژئوپلیتیکی را خنثی کرده و جایگاه خود را در جامعه جهانی تقویت کند (الجمدی، ۲۰۲۵). تحقیق کوزمن و آنگهلچف (۲۰۲۵) با موضوع بررسی دیپلماسی ورزشی در رسانه‌ها با تمرکز بر جام جهانی ۲۰۲۲ قطر و چالش‌های سنجش آن نشان می‌دهد که دیپلماسی ورزشی در رسانه‌ها کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و شاخص‌های سنجش آن هنوز با چالش‌های قابلیت اطمینان مواجه هستند. علاوه بر این، رسانه‌ها اغلب روایت دیپلماسی ورزشی را از طریق مسئولان ورزشی و فدراسیون‌ها منعکس می‌کنند و نقش کنشگران سیاسی یا دولت‌ها کمتر برجسته می‌شود.

## روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت، کیفی و از نظر روش، مطالعه موردی تطبیقی است. داده‌ها با استفاده از تحلیل مضمون<sup>۱</sup> مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. دو رویداد بزرگ ورزشی المپیک ۲۰۰۸ پکن و جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ روسیه به عنوان موارد موردی انتخاب شده‌اند تا الگوهای مشترک و تفاوت‌های تأثیر دیپلماسی ورزشی بر قدرت نرم و حکمرانی خوب جهانی مقایسه شود. رویدادها به دلیل دسترسی به اسناد متنوع و تأثیرگذاری جهانی (پکن برای نمایش قدرت اقتصادی چین از طریق زیرساخت‌ها و روسیه برای کاهش انزوای سیاسی) انتخاب شده‌اند؛ رویدادهای دیگر به دلیل محدودیت داده‌های مرتبط کنار گذاشته شدند. تحلیل داده‌ها بر پایه تحلیل مضمون با الگوی براون و کلارک<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) انجام شد. این روش ترکیبی به پژوهشگر امکان می‌دهد تا هم عمق زمینه‌ای و تاریخی هر رویداد (مطالعه موردی) و هم الگوهای کلی و مقایسه‌ای (رویکرد تطبیقی) را بررسی کند. رویکرد کیفی به دلیل پیچیدگی داده‌های متنی، تنوع فرهنگی، ابعاد

<sup>۱</sup> Thematic Analysis

<sup>۲</sup>. Braun & Clarcke

سیاسی و نیاز به تفسیر عمیق تاریخی و اجتماعی انتخاب شده است. جامعه آماری شامل اسناد رسمی، گزارش‌های بین‌المللی، مقالات علمی معتبر و تحلیل‌های رسانه‌ای تا سال ۲۰۲۵ است. نمونه‌گیری اسناد به صورت هدفمند انجام شده و معیارهای انتخاب آنها ۱. مرتبط بودن مستقیم با دیپلماسی ورزشی، قدرت نرم (جذابیت فرهنگی، ارزش‌های سیاسی) یا حکمرانی خوب جهانی در دو رویداد مورد مطالعه، ۲. اعتبار منبع (اسناد رسمی کمیته بین‌المللی المپیک، فیفا، سازمان ملل متحد، یونسکو، گزارش‌های نظارتی مانند دیده بان حقوق بین‌الملل و رسانه‌های معتبر، ۳. پوشش زمانی (پیش، حین و پس از رویداد برای بررسی پایداری اثرات) و ۴. تنوع زبانی و جغرافیایی بود. در نهایت ۲۰ سند رسمی و آکادمیک انتخاب شد تا به اشباع نظری رسیده شد. فرایند تحلیل داده‌ها با روش تحلیل تماتیک (مضمون) بر اساس چارچوب قدرت نرم جوزف نای، با استفاده از مضامین (تم‌های) قدرت نرم و حکمرانی خوب، در ۶ مرحله آشنایی با داده‌ها، کدگذاری، جستجو برای تم‌ها، بازنگری تم‌ها، تعریف و نام‌گذاری تم‌ها و نوشتن گزارش انجام شد. این تحلیل شامل کدگذاری در سه بعد نای (جذابیت فرهنگی، ارزش‌های دموکراتیک، و سیاست‌گذاری) در دو مرحله است: مرحله اول برای شناسایی تم‌های اولیه (مثل زیر ساخت‌های المپیک) و مرحله دوم برای اتصال تم‌ها به ابعاد سه‌گانه نای و اعتبارسنجی آن‌ها از طریق مقایسه تطبیقی دو رویداد. چالش‌هایی مانند شستشوی ورزشی<sup>۱</sup> (پول‌شویی از طریق ورزش) و ناپایداری محیطی با بررسی گزارش‌های ۲۰۱۸-۲۰۲۵ تحلیل شدند. برای روایی<sup>۲</sup> ابزار پژوهش از شاخص «روایی محتوایی»<sup>۳</sup> استفاده شد. چارچوب کدگذاری اولیه توسط دو متخصص دیپلماسی ورزشی بررسی و تأیید گردید. برای پایایی، توافق بین کدگذار با مشارکت یک کدگذار مستقل محاسبه شد. ۲۰ درصد از داده‌ها (حدود ۱۲ سند) به طور مستقل کدگذاری گردید و میزان توافق با درصد توافق ساده و ضریب کوهن<sup>۴</sup> محاسبه شد (توافق کلی بیش از ۸۹ درصد).

---

۱. Sport Washing

۲. Validity

۳. Content Validity

۴. Cohen's Kappa

## سؤالات پژوهش

دیپلماسی ورزشی تا چه حد می تواند به عنوان ابزاری مؤثر برای قدرت نرم در روابط بین الملل عمل کند، و چگونه کیفیت حکمرانی خوب جهانی (در ابعاد شفافیت، پاسخگویی، پایداری و رعایت حقوق بنیادین) بر پایداری و اعتبار این ابزار تأثیر می گذارد؟ مطالعه موردی: المپیک ۲۰۰۸ پکن و جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه.

## یافته های پژوهش

یافته ها با استفاده از تحلیل مضمون و چارچوب جوزف نای، دو رویداد المپیک ۲۰۰۸ پکن و جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه را به صورت موردی تحلیل می کند. این دو رویداد با هدف بررسی چگونگی استفاده از دیپلماسی ورزشی برای تقویت قدرت نرم و چالش های مرتبط با حکمرانی خوب انتخاب شده اند. داده ها از ۲۰ سند رسمی و آکادمیک، با کدگذاری تماتیک، استخراج و تفسیر شده اند.

**استفاده چین از ورزش و رویدادهای ورزشی بزرگ برای بهره برداری از قدرت نرم:** مشروعیت منطقه ای همیشه بزرگ ترین چالش برای کشورهای پیشرو شرق آسیا، یعنی چین، ژاپن و کره جنوبی بوده است. با رقابت این سه کشور برای برتری، رقابت در حوزه های قدرت سخت و قدرت نرم بسیار شدید است. بسیاری از رهبران شرق آسیا اهمیت قدرت نرم را ابراز کرده اند؛ برای مثال، هو جینتاو، رئیس جمهور پیشین چین، در نشست گروه رهبری امور خارجی در سال ۲۰۰۶ اظهار داشت که «افزایش جایگاه و نفوذ بین المللی کشورمان باید در قدرت سخت و قدرت نرم مانند فرهنگ نشان داده شود» (ما، ۲۰۰۷). رقابت اقتصادی چین (لی، ۲۰۱۱) و میراث فرهنگی آن (ناکانو و ژو، ۲۰۲۰) به عنوان منابع کلیدی قدرت نرم چین شناخته می شوند. بر اساس نظر تنزیم (۲۰۲۱)، برای چین، همه چیز به جز ارتش به عنوان قدرت نرم در نظر گرفته می شود. با اینکه تصویر جهانی و قدرت نرم برای چین اهمیت دارد، اما هیچ چیز مهم تر از بهره برداری از قدرت نرم داخلی نیست. هو جینتاو اظهار داشت که قدرت نرم فرهنگی دو هدف اصلی دارد؛ یکی تقویت انسجام ملی، خلاقیت و پاسخگویی به نیازهای معنوی مردم است؛ و

دیگری افزایش رقابت پذیری چین در رقابت برای قدرت ملی جامع در عرصه بین‌المللی» (لی، ۲۰۰۸). از این منظر، تمرکز چین بر قدرت نرم داخلی با روسیه مشابه است (کراماروا و گریکس، ۲۰۱۸). مفهوم «قدرت نرم» در چین به نظر نمی‌رسد همان تعریف نای باشد. بر اساس نظر لی‌نان تعریف قدرت نرم که چین از آن استفاده می‌کند، به‌طور کامل با مفهوم «قدرت نرم» جوزف نای متفاوت است. این کشور با اصطلاح «روآن شی لی» (سازگاری نرم) بر تقویت مشروعیت سیاسی داخلی و انسجام ملی از طریق ورزش، به‌ویژه رویدادهای بزرگ مانند المپیک تابستانی ۲۰۰۸ پکن و المپیک زمستانی ۲۰۲۲ پکن، تأکید دارد (لی‌نان، ۲۰۱۹؛ ویلسون، ۲۰۱۵). با وجود تفاوت‌ها در تعریف «قدرت نرم»، مفهوم استفاده از ورزش برای اهداف مختلف، از مشروعیت داخلی تا گسترش بین‌المللی، از میزان سرمایه‌گذاری چین در رویدادهای ورزشی نمایان است. در سال ۲۰۰۷، هو جینتاو، رئیس‌جمهور پیشین، «نیاز به تقویت فرهنگ چین به‌عنوان قدرت نرم این کشور را در سخنرانی اصلی خود در هفدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین (CPC) تأکید کرد» (چاینا دیلی، ۲۰۰۷). او اظهار داشت که «فرهنگ به تدریج به منبعی مهم برای انسجام ملی و خلاقیت و عاملی رو به رشد در رقابت قدرت ملی جامع تبدیل شده است» و چین باید «فرهنگ را به‌عنوان بخشی از قدرت نرم کشور تقویت کند تا حقوق و منافع فرهنگی اساسی مردم را بهتر تضمین کند». در مفهوم ابرقدرت فرهنگی، نقش ورزش و مشارکت آن در استراتژی قدرت نرم چین گنجانده شده است. چین از رویدادهای ورزشی برای اهداف داخلی (تقویت میهن‌پرستی و مشروعیت حزب کمونیست) و بین‌المللی (نمایش رشد اقتصادی و فرهنگی) استفاده می‌کند. این رویکرد دوجانبه، برخلاف مدل نای، بر «تبلیغات خارجی» و دیپلماسی عمومی داخلی متمرکز است (هونگ، ۲۰۱۹؛ گریکس و دیگران، ۲۰۲۱).

چین به خاطر موفقیت‌هایش در المپیک‌ها به‌خوبی شناخته شده و دارای «سیستم ورزشی با عملکرد بالا تحت حمایت دولت با بودجه مستمر و سنگین است و از سال ۲۰۰۰ تاکنون از سه رتبه برتر جدول مدال‌های بازی‌های المپیک تابستانی غایب نبوده است» (لیو، ۲۰۲۰). چین همچنین به‌طور شفاف اعلام کرده که از طریق موفقیت در ورزش حرفه‌ای به دنبال کسب قدرت نرم است (لیو و دیگران، ۲۰۱۷). در واقع، دولت چین یک راهنمای ۱۰ ساله به نام «طرح به‌دست آوردن

افتخار المپیک» را بازنگری و تمدید کرد تا به توسعه ورزش حرفه ای کمک کند و آن را هدایت کند (لیو، ۲۰۲۰). این نشان می دهد که برای چین، «ورزش حرفه ای درباره موفقیت در کسب مدال است و پیروزی در المپیک هم معنی با کسب افتخار و اعتبار برای میهن است». چین ابتدا در سال ۱۹۹۳ برای میزبانی بازی های المپیک تابستانی درخواست داد، اما به استرالیا باخت، زیرا سیدنی برای میزبانی بازی های ۲۰۰۰ انتخاب شد (هونگ و ژوژیانگ، ۲۰۱۲). پس از صرف نظر از درخواست برای المپیک ۲۰۰۴، چین در سال ۲۰۰۱ دوباره درخواست داد و برای میزبانی بازی های المپیک ۲۰۰۸ انتخاب شد. بر اساس نظر فان و همکاران (۲۰۱۲)، «میزبانی بازی های المپیک بخشی مهم از استراتژی برای تبدیل چین به یک ابرقدرت ورزشی، سیاسی و اقتصادی بود که بتواند با ایالات متحده در غرب و ژاپن و کره جنوبی در شرق به طور برابر رقابت کند». میزبانی المپیک ۲۰۰۸ به عنوان ابزاری برای نمایش صعود اقتصادی چین، افزایش اعتماد به نفس شهروندان (۹۴،۶-۹۴،۹ درصد حمایت مردمی) برجسته شد (وینگ-چونگ، ۲۰۲۰). سرمایه گذاری عظیم ۴۲ میلیارد دلاری برای المپیک ۲۰۰۸ قدرت نرم چین را تقویت کرده و مشروعیت سیاسی حزب را در داخل حفظ می کند، هرچند تنش ها با غرب مانند تحریم ۲۰۲۲ اثر گذاری بین المللی را محدود کرده است (وایز ووتر، ۲۰۲۳). این یافته ها نشان می دهند که چین ورزش را به عنوان ابزاری استراتژیک برای تحقق اهداف داخلی و منطقه ای با تأکید بر مشروعیت سیاسی و هویت ملی به کار می گیرد که آن را از مدل های غربی متمایز می کند.

جدول ۱: آمار کلیدی المپیک ۲۰۰۸ پکن بر اساس (UNEP ۲۰۰۹)

| آمار                                                                | معیار                     |
|---------------------------------------------------------------------|---------------------------|
| بیش از ۷ سال                                                        | تعداد سال های برنامه ریزی |
| ۲۱,۸۸۰ مشعل دار در مسافت ۱۳۷,۰۰۰ کیلومتر (۲۴ اوت تا ۸ سپتامبر ۲۰۰۸) | مشعل المپیک               |
| المپیک: ۸-۲۴ اوت ۲۰۰۸؛ پارالمپیک: ۶-۱۷ سپتامبر ۲۰۰۸                 | تاریخ رویداد              |
| ۳۱ مکان در پکن؛ ۴ مکان در شانگهای، هنگ کنگ، تیانجین، و چینگدائو     | مکان ها                   |
| ۱۱,۱۶۴ ورزشکار                                                      | ورزشکاران المپیک          |
| ۴۰۰۰ ورزشکار                                                        | ورزشکاران پارالمپیک       |
| ۳۰۲ مسابقه (۱۶۵ مردانه، ۱۲۷ زنانه، ۱۰ مختلط)                        | رویدادهای المپیک          |

|                          |                                                                          |
|--------------------------|--------------------------------------------------------------------------|
| رویدادهای پارالمپیک      | ۲۰ رشته                                                                  |
| جوایز المپیک             | ۹۲۶ مدال (۳۰۲ طلا، ۳۰۴ نقره، ۳۲۰ برنز)؛ ۷۹ رکورد جهانی و ۸۵ رکورد المپیک |
| جوایز پارالمپیک          | ۱،۴۲۹ مدال؛ ۲۷۹ رکورد جهانی و ۳۳۹ رکورد پارالمپیک                        |
| تماشاگران المپیک         | ۶،۷ میلیون نفر                                                           |
| تماشاگران پارالمپیک      | ۳،۴۵ میلیون نفر                                                          |
| مخاطبان تلویزیونی        | ۴،۷ میلیارد بیننده در بیش از ۵۰۰ ساعت پخش در ۲۲۰ کشور                    |
| خبرنگاران المپیک         | ۲۶،۰۹۸ خبرنگار معتبر؛ ۵،۹۸۰ غیرمعتبر                                     |
| خبرنگاران پارالمپیک      | ۱۰،۳۰۰ معتبر                                                             |
| مقامات، مربیان و کارکنان | ۹،۱۷۵ (المپیک)؛ ۲،۵۰۰ از ۱۴۳ کشور (پارالمپیک)                            |

### چالش های المپیک ۲۰۰۸ پکن: نقض حقوق بشر، نا پایداری محیطی، و

#### سوءمدیریت در حکمرانی خوب

در ادامه یافته های بخش قبلی، که بر موفقیت های چین در استفاده از المپیک ۲۰۰۸ پکن برای تقویت قدرت نرم تمرکز داشت، این بخش به بررسی چالش های مرتبط با این رویداد می پردازد. با وجود دستاوردهای اقتصادی و فرهنگی، المپیک ۲۰۰۸ با انتقادات گسترده ای در حوزه حقوق بشر، پایداری محیطی، و حکمرانی خوب مواجه شد. این چالش ها، که اغلب به عنوان نمونه ای از ورزش شویی تفسیر می شوند، نشان دهنده شکاف بین وعده های IOC و اجرای عملی توسط دولت چین هستند. تحلیل بر اساس گزارش های رسمی و آکادمیک تا نوامبر ۲۰۲۵ انجام شده و بر سه بعد اصلی چارچوب نای (جذابیت فرهنگی، ارزش های سیاسی، و سیاست خارجی) با تمرکز بر اصول حکمرانی خوب (شفافیت، پایداری، و برابری) تأکید دارد. یافته ها حاکی از آن است که این چالش ها، علی رغم موفقیت های کوتاه مدت، اعتبار بلندمدت قدرت نرم چین را تضعیف کردند و درس هایی برای حکمرانی آینده ارائه می دهند.

نقض حقوق بشر: المپیک ۲۰۰۸ با سرکوب گسترده فعالان حقوق بشر همراه بود، که مستقیماً با تعهدات چین به IOC برای بهبود حقوق بشر در تضاد بود. گزارش دیده بان حقوق بشر (۲۰۰۸) نشان می دهد که حداقل ۵۰ فعال حقوق بشر در پکن دستگیر شدند و یا تحت بازداشت

خانگی بودند و یا از شهر تبعید گشتند، از جمله هو جیاو، فعال ایدز و حقوق بشر، که به دلیل انتقاد از المپیک به ۳٫۵ سال زندان محکوم شد. عفو بین الملل (۲۰۰۸) نیز به افزایش سرکوب آزادی بیان و انجمن اشاره می کند، با بیش از ۱۰۰ مورد بازداشت پیش از بازی ها، از جمله فعالان تبتی و اویغور. این اقدامات، که برای «پاکسازی» شهر از اعتراضات انجام شد، به عنوان «کاتالیزور سوء استفاده های حقوق بشری» توصیف شده و میلیون ها مهاجر کارگر را تحت تأثیر قرار داد، که بدون جبران از منازل شان اخراج شدند (دیده بان حقوق بشر، ۲۰۰۸). این نقض ها، ارزش های سیاسی نای (دموکراسی و حقوق بشر) را زیر سؤال برد و به جای جذب جهانی، تصویر منفی ایجاد کرد، که در شاخص GSPI سال ۲۰۲۵ چین را در بعد سیاسی ضعیف نشان می دهد (برند فایننس، ۲۰۲۵).

ناپایداری محیطی: علی رغم ادعای «سبزترین بازی های تاریخ»، المپیک ۲۰۰۸ با رد پای کربنی عظیم و تخریب محیطی همراه بود. بر اساس ارزیابی مستقل منتشر شده توسط برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (UNEP) در فوریه ۲۰۰۹، چالش های متعددی در حوزه ناپایداری محیطی و سوء حکمرانی در جریان برگزاری المپیک ۲۰۰۸ پکن شناسایی شده است. گزارش نشان می دهد که کیفیت هوای پکن به دلیل غلظت بالای ذرات معلق ( $PM_{10}$ ) و رد پای کربنی ناشی از ساخت وسازها (حدود ۱۰ میلیون تن  $CO_2$ ) با چالش های جدی مواجه بوده است. این امر ناشی از رشد اقتصادی سریع و شرایط جغرافیایی (کوهستانی بودن منطقه که آلاینده ها را به دام می اندازد) است. با این حال، ضعف در پوشش شاخص اوزون در سیستم شاخص کیفیت هوا به عنوان یک نقص مدیریتی برجسته می شود. از سوی دیگر، اقدامات مثبتی نظیر کاهش ۵۰ درصدی دی اکسید گوگرد ( $SO_2$ ) از طریق تبدیل بویلرها به گاز طبیعی و افزایش روزهای دارای آسمان آبی (از ۱۰۰ روز در سال ۲۰۰۰ به ۲۷۴ روز در سال ۲۰۰۸) نشان دهنده تلاش هایی برای بهبود حکمرانی زیست محیطی است. کمبود آب به عنوان یک مشکل مزمن در پکن گزارش شده است، به طوری که سرانه آب در سال ۲۰۰۷ به ۲۳۰ مترمکعب کاهش یافت، که با کاهش بارش سالانه (متوسط ۴۶۰ میلی متر در ۲۰۰۱-۲۰۰۷) و آلودگی مخازن تشدید شده است.

تخلیه ناپایدار آب‌های زیرزمینی به عنوان یک ضعف در مدیریت منابع طبیعی برجسته می‌شود. با این وجود، افزایش ظرفیت تصفیه فاضلاب به ۹۲٪ و اجرای طرح‌های حفاظتی مانند ۵۴۷ حوزه کوچک، نشان‌دهنده گام‌هایی در جهت بهبود حکمرانی پایدار است. بخش حمل‌ونقل با حضور ۳٫۵ میلیون خودرو منجر به انتشار گازهای آلاینده نظیر مونوکسید کربن، دی‌اکسید نیتروژن و ذرات معلق شد. ضعف در مدیریت، از جمله وجود ۴۹۰،۰۰۰ خودروی غیرمحل قدیمی در سال ۲۰۰۱ و ناکارآمدی در برچسب‌گذاری ۶۵۱،۰۰۰ خودرو، به عنوان نمونه‌هایی از سوء حکمرانی در حمل و نقل شناسایی شده است. با این حال، اقدامات اصلاحی مانند جایگزینی ۳،۷۵۹ اتوبوس با سوخت CNG و محدودیت دسترسی خودروهای آلاینده به شهر نشان‌دهنده تلاش‌هایی برای بهبود زیرساخت‌ها و حکمرانی حمل‌ونقل است.

سوء مدیریت و چالش‌های حکمرانی خوب: سوء مدیریت در المپیک ۲۰۰۸ با فساد گسترده همراه بود، از جمله اخراج لیوژی هوا، معاون شهردار پکن، به دلیل رشوه و سوء استفاده جنسی (نیویورک تایمز، ۲۰۰۸). بودجه ۴۰ میلیارد دلاری با اتهامات فساد در قراردادهای ساخت و ساز (بی‌بی‌سی، ۲۰۰۸) و عدم شفافیت (نقض مقررات FCPA) همراه بود، که کمیته بین‌المللی المپیک را به انتقاد واداشت. گزارش بریتانیکا (۲۰۲۳) به فساد IOC اشاره می‌کند که با وعده‌های چین برای «پاک‌ترین بازی‌ها» تضاد داشت. این مسائل شفافیت و پاسخگویی حکمرانی خوب را نقض کرد و به جای تقویت ارزش‌های سیاسی نای، اعتبار چین را در روابط بین‌الملل آسیب زد، که در شاخص‌های حکمرانی (ASOIF، ۲۰۲۵) منعکس شده است. این چالش‌ها نشان می‌دهند که المپیک ۲۰۰۸، علی‌رغم موفقیت‌های اقتصادی، فرصت‌های دیپلماسی را به دلیل ضعف‌های حکمرانی از دست داد.

۱. قانون اقدامات ضد رشوه‌خواری خارجی

## استفاده روسیه از ورزش و رویدادهای ورزشی بزرگ برای بهره‌برداری از قدرت نرم

در روسیه، ورزش از دیرباز ابزاری سیاسی و فرهنگی برای نمایش توان ملی و بازتولید هویت جمعی بوده است. از دوران اتحاد جماهیر شوروی تا دولت فدراتیو روسیه، ورزش همواره بخشی از پروژه دولت‌محور برای نمایش اقتدار، انسجام داخلی و رقابت با غرب بوده است (ریوردان، ۲۰۰۷؛ ادلمن، ۲۰۱۸). پس از فروپاشی شوروی، روسیه در تلاش برای بازسازی تصویر بین‌المللی خود و احیای مشروعیت سیاسی داخلی، از «دیپلماسی ورزشی» به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم استفاده کرد. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در سخنرانی‌های مختلف خود بر اهمیت ورزش در «بازتاب روح ملت» و «ابزاری برای نمایش چهره‌ای نو از روسیه مدرن» تأکید کرده است (گریکس و کراماروا، ۲۰۱۸). قدرت نرم روسیه، برخلاف مدل غربی جوزف نای، بیشتر به عنوان امتداد قدرت سخت تعریف می‌شود؛ ابزاری برای کسب مشروعیت سیاسی و بازنمایی جایگاه ژئوپلیتیکی کشور در نظم بین‌الملل (کوبی یرکی، ۲۰۲۰). بر این اساس، ورزش نه صرفاً ابزار فرهنگی، بلکه شکلی از دیپلماسی عمومی با ماهیت سیاسی و امنیتی است. رویدادهای ورزشی بزرگ، مانند بازی‌های المپیک زمستانی سوچی ۲۰۱۴ و جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸، به عنوان نمادهایی از «بازگشت روسیه به صحنه جهانی» تلقی می‌شوند (مولر، ۲۰۱۵). این رویدادها نه تنها با هدف ارتقای تصویر بین‌المللی روسیه برگزار شدند، بلکه نقش مهمی در بازسازی مشروعیت داخلی پس از بحران‌های اقتصادی و تحریم‌های غربی داشتند (ژواآ، ۲۰۲۰). بونیس (۲۰۱۲) درباره فوتبال به عنوان یک عامل در سیاست بین‌الملل می‌گوید: امروزه در پرتو جهانی شدن، فوتبال به منحصر به فردترین پدیده جهانی تبدیل شده و حتی از پدیده‌هایی چون دموکراسی و اقتصاد بازار که گفته می‌شود بدون مرز هستند، نیز فراتر رفته است. اگرچه از آغاز جام جهانی فوتبال در سال ۱۹۳۰ فوتبال به منزله پدیده جهانی مطرح بوده است، اما در چند دهه اخیر با رشد فن‌آوری‌های اطلاعات و جهانی تر شدن و فراگیرتر شدن تأثیر عمیقی بر مردم جهان گذاشته است. جام جهانی فوتبال فرصتی مناسب را در اختیار کشورها قرار داده تا بتوانند از دیپلماسی عمومی بهره ببرند و فرهنگ و ارزش‌های خود را در عرصه‌ای گسترده نشان دهند (عبدالکریمی،

۱۳۹۳). مطابق تحلیل گریکس و کارن (۲۰۱۷)، «دیپلماسی ورزشی روسیه بر سه محور متمرکز است: نمایش نظم، اقتدار و ملی‌گرایی در داخل؛ بازسازی تصویر بین‌المللی در خارج؛ و ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای در برابر سلطه غرب». از این منظر، ورزش در روسیه، مشابه چین، پیوندی مستقیم با امنیت فرهنگی و وحدت ملی دارد. با این حال، تفاوت اساسی در این است که روسیه از ورزش نه برای «نرمی» فرهنگی، بلکه برای «نمایش اقتدار» و «استقلال سیاسی» استفاده می‌کند (کوبی یرکی، ۲۰۲۰؛ گریکس و کراماورا، ۲۰۱۸). میزبانی جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ در روسیه نقطه اوج این راهبرد بود. این رویداد به‌عنوان بزرگ‌ترین پروژه ورزشی تاریخ روسیه پس از فروپاشی شوروی، فرصتی بی‌نظیر برای تثبیت مشروعیت دولت، افزایش انسجام ملی و بازسازی چهره جهانی روسیه در شرایط انزوای سیاسی فراهم کرد.

بیست‌ویکمین دوره ی جام جهانی فوتبال که میزبانی آن بر عهده روسیه بود، از ۱۴ ژوئن ۲۰۱۸ آغاز شد. جام جهانی فوتبال رویدادی معمولی ورزشی نیست. بر اساس برآوردهای فیفا، حدود ۲۵۰ میلیون نفر در سراسر جهان فوتبال بازی می‌کنند و بیش از ۱.۳ میلیارد نفر هوادار این ورزش هستند. با توجه به محبوبیت جهانی و اثرات اقتصادی آن، جام جهانی فوتبال به همان اندازه که رویدادی ورزشی است، رویدادی اقتصادی نیز محسوب می‌شود. برای کشور میزبان، این رویداد معتبر نمادی از توان ورزشی ملی و فرصتی نادر برای نمایش قدرت اجتماعی و اقتصادی کشور به شمار می‌رود. برگزاری موفق جام جهانی فوتبال همچنین به معنای حضور برجسته در صحنه جهانی و معرفی کشور به عنوان بازیگری مهم در جامعه بین‌المللی است. حدود ۳،۵۷۲ میلیارد نفر بخشی از پخش رسمی جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ روسیه را تماشا کردند. این رقم معادل بیش از نیمی ۵۱.۳٪ از جمعیت جهان (افراد ۴ سال به بالا) است. تخمین زده می‌شود که حدود ۳۰۹،۷ میلیون نفر پوشش بازی‌ها را در خانه تماشا نکرده‌اند، بلکه از طریق پلتفرم‌های دیجیتال، فضاهای عمومی یا رستوران‌ها و بارها مشاهده کرده‌اند. این رقم نشان‌دهنده افزایش ۹۵ درصدی نسبت به مخاطبان تلویزیونی سنتی است. دیدار نهایی به‌صورت زنده توسط ۱،۱۲ میلیارد نفر تماشا شد. پرتماشاگرترین رویداد ورزشی جهان، هم‌زمان یکی از پرهزینه‌ترین رویدادها برای اجرا نیز محسوب می‌شود. دولت روسیه هزینه کل برگزاری جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ را حدود ۱۱ میلیارد دلار آمریکا (معادل ۶۸۳ میلیارد روبل)

برآورد کرده است. از این مبلغ حدود ۴,۲۲ میلیارد دلار (۲۶۵ میلیارد روبل) صرف ساخت زیرساخت‌های ورزشی شده است، حدود ۳,۶۳ میلیارد دلار (۲۲۸ میلیارد روبل) برای بهبود امکانات حمل و نقل در داخل و اطراف شهرهای میزبان هزینه شده است، و حدود ۱,۱۸ میلیارد دلار (۷۴ میلیارد روبل) نیز به زیرساخت‌های پشتیبانی اختصاص یافته است. سایر هزینه‌های عملیاتی نیز در حدود ۱,۸۵ میلیارد دلار (۱۱۶ میلیارد روبل) برآورد می‌شوند. هزینه‌های مرتبط با زیرساخت‌های ورزشی بیش از ۳۸٪ از کل مخارج را تشکیل می‌داد. در مجموع ۱۲ ورزشگاه با ظرفیت کلی ۵۵۰ هزار نفر در ۱۱ شهر روسیه (مسکو، سن پترزبورگ، سوچی، کازان، سارانسک، کالنینگراد، ولگوگراد، روستوف-نا-دون، نیژنی نووگورود، یکاترینبورگ و سامارا) ساخته یا بازسازی شدند که مجموع هزینه آن‌ها ۴,۲۲ میلیارد دلار (۲۶۵ میلیارد روبل) بود. علاوه بر این، ۹۶ مرکز تمرینی با ظرفیت ۱۶ هزار کودک و نوجوان در سراسر کشور ایجاد شد تا پس از پایان جام جهانی نیز مورد استفاده قرار گیرد. روسیه سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در زیرساخت‌های حمل و نقل و خدمات شهری انجام داد. حدود ۱,۰۹ میلیارد دلار (۱۱۷,۰۸ میلیارد روبل) صرف زیرساخت‌های هوایی شد که شامل ساخت ترمینال‌های جدید در ۱۱ فرودگاه بود. فرودگاه‌های مسکو بیشترین بهره را بردند، چرا که زیرساخت‌های جدید پاسخگوی افزایش حجم مسافران حتی پس از پایان مسابقات خواهد بود. اگرچه جام جهانی پیش از هر چیز رویدادی ورزشی و اجتماعی است، اما به‌طور فزاینده‌ای به پدیده‌ای اقتصادی و تجاری تبدیل شده است. سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با جام جهانی در روسیه بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ به‌طور یکنواخت توزیع شده بود و سالانه (حدود ۲ میلیارد دلار حدود ۱٪ از کل سرمایه‌گذاری ثابت کشور و ۰,۲٪ از تولید ناخالص داخلی) را شامل می‌شد. دولت روسیه تأثیر مستقیم جام جهانی بر تولید ناخالص داخلی (GDP) را حدود ۱۳,۰۸ میلیارد دلار (۸۶۷ میلیارد روبل) تخمین زده که معادل حدود ۱٪ از GDP کشور است. پیش‌بینی می‌شود اثر کلی این رویداد بر GDP در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ بین ۲۶ تا ۳۰,۰۸ میلیارد دلار باشد. این سرمایه‌گذاری‌های عظیم زیرساختی آثار بلندمدت و گسترده‌ای دارند. به گفته گزارش رسمی دولت روسیه، جام جهانی میراثی ماندگار مادی و معنوی برای نسل‌های آینده روسیه بر جای گذاشت.

جدول ۲: آمار کلیدی جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ روسیه

| معیار                           | آمار                                                                                                                         |
|---------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| تعداد سال‌های برنامه‌ریزی       | حدود ۸ سال (از زمان انتخاب روسیه در ۲۰۱۰ تا برگزاری در ۲۰۱۸)                                                                 |
| تاریخ برگزاری                   | ۱۴ ژوئن ۲۰۱۸                                                                                                                 |
| تعداد روزهای برگزاری            | ۳۲ روز                                                                                                                       |
| شهرها و مکان‌ها                 | ۱۱ شهر (مسکو، سن پترزبورگ، سوچی، کازان، نیژنی نووگورود، سامارا، ولگوگراد، روستوف-نا-دونو، سارانسک، یکاترینبورگ، کالینینگراد) |
| تعداد ورزشگاه‌ها                | ۱۲ ورزشگاه با ظرفیت مجموع ۵۵۰ هزار نفر                                                                                       |
| تعداد تیم‌ها                    | ۳۲ تیم ملی از ۵ قاره                                                                                                         |
| تعداد مسابقات                   | ۶۴ مسابقه                                                                                                                    |
| تعداد بازیکنان                  | ۷۳۶ بازیکن                                                                                                                   |
| تعداد داوران                    | ۳۶ داور اصلی و ۶۳ کمک‌داور از ۴۶ کشور                                                                                        |
| تماشاگران در استادیوم‌ها        | حدود ۳ میلیون و ۳۱۲ هزار نفر (میانگین ۵۱,۰۰۰ نفر در هر بازی)                                                                 |
| مخاطبان تلویزیونی جهانی         | حدود ۳,۵۷۲ میلیارد نفر (۵۱٪ جمعیت جهان)                                                                                      |
| بینندگان دیدار نهایی            | ۱,۱۲ میلیارد نفر به‌صورت زنده                                                                                                |
| پخش رسانه‌ای                    | در ۲۲۰ کشور با بیش از ۵۰۰۰ ساعت پوشش تلویزیونی                                                                               |
| تعداد خبرنگاران معتبر           | بیش از ۱۸,۰۰۰ خبرنگار و عکاس ورزشی                                                                                           |
| داوطلبان (Volunteers)           | حدود ۱۷,۰۰۰ نفر از ۱۱۰ کشور                                                                                                  |
| تعداد بازدیدکنندگان خارجی       | حدود ۵۷۰,۰۰۰ گردشگر بین‌المللی افزوده بر میانگین معمول                                                                       |
| اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم  | بیش از ۲۲۰,۰۰۰ شغل موقت و پایدار در دوره ۲۰۱۳-۲۰۱۸                                                                           |
| افزایش تولید ناخالص داخلی (GDP) | حدود ۱۳,۸ میلیارد دلار آمریکا، حدود ۱٪ GDP روسیه                                                                             |

**چالش‌های جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه: نقض حقوق بشر، ناپایداری محیطی، و سوءمدیریت در حکمرانی خوب:** جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ که در روسیه میزبانی شد، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای ورزشی جهان، نه تنها دستاوردهای ورزشی را برجسته کرد، بلکه چالش‌های عمیقی در حوزه‌های حقوق بشر، پایداری محیطی و حکمرانی خوب را آشکار ساخت. بر اساس تحلیل‌های اخیر، این رویداد علی‌رغم ادعاهای فیفا مبنی بر پایداری و عدالت، با انتقادات

گسترده‌ای روبرو شد که نشان‌دهنده تناقضات ساختاری در مدیریت رویدادهای مگاورزشی است. یکی از بارزترین چالش‌های جام جهانی ۲۰۱۸، نقض گسترده حقوق بشر در فرآیند ساخت استادیوم‌ها و زیرساخت‌ها بود. گزارش‌ها حاکی از مرگ حداقل ۱۷ کارگر در سایت‌های ساختمانی است، جایی که بهره‌کشی از نیروی کار مهاجر، ساعات کاری طولانی بدون ایمنی مناسب و عدم پرداخت دستمزد رایج بود. سازمان عفو بین‌الملل تأکید کرده است که فیفا علی‌رغم تعهدات خود، نتوانست نظارت مؤثری بر این مسائل اعمال کند و رویداد را به ابزاری برای شستشوی ورزشی رژیم روسیه تبدیل کرد که نقض حقوق اقلیت‌ها، فعالان و رسانه‌ها را پنهان می‌کرد. تحلیل‌های اخیر، مانند مقایسه پوشش رسانه‌ای نیویورک تایمز در سال ۲۰۲۴، نشان می‌دهد که این نقض‌ها بخشی از الگویی بزرگ‌تر در میزبانی‌های فیفا هستند، جایی که حقوق بشر قربانی منافع سیاسی و اقتصادی می‌شود. همچنین، گزارش وزارت خارجه آمریکا در سال ۲۰۱۸ بر شکنجه و خشونت توسط نیروهای امنیتی روسیه در حاشیه رویداد تأکید دارد، که این امر آزادی بیان را محدود کرد.

از منظر محیطی، جام جهانی ۲۰۱۸ با انتشار بیش از ۲,۱۷ میلیون تن گازهای گلخانه‌ای همراه بود، که عمدتاً ناشی از حمل‌ونقل هوایی، ساخت‌وساز و مصرف انرژی در استادیوم‌ها بود. گزارش پایداری فیفا در سال ۲۰۱۹، هرچند دستاوردهایی مانند کاشت درختان و استفاده از انرژی تجدیدپذیر را برجسته می‌کند، اما نتوانست اثرات منفی بلندمدت مانند تخریب جنگل‌ها و آلودگی آب در مناطق میزبان را جبران کند. تحلیل‌های به‌روز در سال ۲۰۲۳ نشان می‌دهد که گسترش فرمت جام جهانی (مانند افزایش تیم‌ها) تأثیرات محیطی را تشدید می‌کند، و روسیه ۲۰۱۸ نمونه‌ای از عدم تعادل بین سود اقتصادی کوتاه‌مدت و پایداری بلندمدت است. علاوه بر این، استراتژی پایداری فیفا در سال ۲۰۱۵، که بر کاهش اثرات منفی تمرکز داشت، در عمل با چالش‌هایی مانند هدررفت منابع و عدم مدیریت زباله روبرو شد، که این امر رویداد را به نمادی از ناپایداری تبدیل کرد.

سوءمدیریت و مسائل حکمرانی، به ویژه فساد مالی، یکی از چالش‌های اصلی جام جهانی ۲۰۱۸ بود. گزارش جهانی سازمان ملل در مورد فساد در ورزش (۲۰۲۲) بر رشوه‌خواری و اختلاس در فرآیند انتخاب میزبان و ساخت زیرساخت‌ها تأکید دارد، جایی که استادیوم‌هایی مانند کرسٹوفسکی با تأخیرهای مکرر و هزینه‌های نجومی (بیش از ۱ میلیارد یورو) با فساد دولتی روبرو شدند. تحلیل‌های اخیر در سال ۲۰۲۵ بر ضعف مکانیسم‌های کنترل فیفا تمرکز دارند، که مسئولیت اجتماعی

شرکتی را به ابزاری برای توجیه فساد تبدیل کرده است. این مسائل نه تنها بودجه عمومی روسیه را هدر داد، بلکه الگویی از عدم پاسخگویی در فیفا را نشان داد، جایی که اتهامات رشوه در کمیته اجرایی از سال ۲۰۱۰ برجسته بود. در نهایت، این سوءمدیریت، اعتماد عمومی به حکمرانی خوب در رویدادهای ورزشی را تضعیف کرد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

دیپلماسی ورزشی به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی قدرت نرم در روابط بین‌الملل، نقشی پویا در تقویت جایگاه کشورها در صحنه جهانی ایفا می‌کند. این پژوهش با تحلیل دو مطالعه موردی برجسته، یعنی المپیک ۲۰۰۸ پکن و جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه، نشان داد که چگونه ورزش می‌تواند به‌عنوان اهرمی برای پیشبرد اهداف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی عمل کند، اما در عین حال، چالش‌های جدی در حوزه حقوق بشر، پایداری محیطی و حکمرانی خوب، کارآمدی این ابزار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با بهره‌گیری از چارچوب نظری جوزف نای، که قدرت نرم را بر سه بعد جذابیت فرهنگی، ارزش‌های دموکراتیک و سیاست‌گذاری خارجی متمرکز می‌کند، این مطالعه به بررسی تعامل بین دیپلماسی ورزشی، قدرت نرم و اصول حکمرانی خوب جهانی پرداخت. یافته‌ها نشان داد که چین از المپیک ۲۰۰۸ به‌عنوان بستری برای نمایش صعود اقتصادی خود و تقویت مشروعیت سیاسی داخلی استفاده کرد. سرمایه‌گذاری ۴۲ میلیارد دلاری در زیرساخت‌ها، همراه با موفقیت‌های ورزشی (رتبه برتر جدول مدال‌ها)، به افزایش اعتماد ملی و نمایش توان اقتصادی چین کمک کرد. این رویداد، با جذب حمایت ۹۴٫۶-۹۴٫۹ درصدی شهروندان، انسجام ملی را تقویت کرد و چهره‌ای مدرن از چین به جهان ارائه داد. با این حال، نقض گسترده حقوق بشر، از جمله سرکوب فعالان و اخراج کارگران مهاجر، و ناپایداری محیطی با ردپای کربنی ۱۰ میلیون تنی، اعتبار جهانی چین را تضعیف کرد. سوءمدیریت و فساد، مانند پرونده لیوژی‌هوا، شفافیت و پاسخگویی را زیر سؤال برد و نشان داد که فقدان حکمرانی خوب می‌تواند دستاوردهای قدرت نرم را محدود کند. این یافته‌ها تأیید می‌کنند که دیپلماسی ورزشی چین، هرچند در بعد اقتصادی موفق بود، اما به دلیل نقض ارزش‌های دموکراتیک نای، در حوزه سیاسی و جهانی با چالش‌هایی مواجه شد. در مورد روسیه، جام جهانی ۲۰۱۸ به‌عنوان ابزاری برای بازسازی تصویر بین‌المللی و کاهش انزوای سیاسی

ناشی از تحریم‌های غربی بهره برد. سرمایه‌گذاری ۱۱ میلیارد دلاری در زیرساخت‌های ورزشی و حمل‌ونقل، همراه با مخاطب جهانی ۳,۵۷۲ میلیارد نفری، این رویداد را به نمادی از بازگشت روسیه به صحنه جهانی تبدیل کرد. این رویداد، با تقویت ملی‌گرایی و مشروعیت داخلی دولت پوتین، به انسجام اجتماعی کمک کرد. با این حال، نقض حقوق بشر، از جمله مرگ ۱۷ کارگر و سرکوب فعالان، و انتشار ۲,۱۷ میلیون تن گازهای گلخانه‌ای، نشان‌دهنده ناکامی در رعایت اصول پایداری و عدالت بود. فساد مالی، به‌ویژه در ساخت استادیوم کرسئوفسکی، و اتهامات رشوه در فرآیند انتخاب میزبان، ضعف‌های حکمرانی خوب را برجسته کرد. این مسائل، مشابه چین، نشان‌دهنده شکاف بین اهداف قدرت نرم و اجرای عملی است که اعتماد جهانی به دیپلماسی ورزشی روسیه را کاهش داد. هر دو کشور از دیپلماسی ورزشی برای اهداف داخلی (انسجام ملی و مشروعیت سیاسی) و خارجی (نمایش قدرت و رقابت ژئوپلیتیکی) استفاده کردند، اما تعریف قدرت نرم آن‌ها از مدل نای فاصله داشت. چین بر «سازگاری نرم» برای مشروعیت داخلی و نمایش اقتصادی تمرکز کرد، در حالی که روسیه از ورزش برای «نمایش اقتدار» و استقلال سیاسی بهره برد. در سطحی تحلیلی‌تر، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که شکاف میان «قدرت نرم ادعا شده» و «قدرت نرم ادراک شده» در هر دو مطالعه موردی، به‌طور مستقیم با کیفیت حکمرانی خوب پیوند دارد. مطابق چارچوب جوزف نای، جذابیت فرهنگی و مشروعیت سیاسی تنها زمانی به قدرت نرم پایدار منجر می‌شوند که با ارزش‌های جهانی نظیر شفافیت، پاسخگویی و احترام به حقوق بشر همراه باشند. تجربه چین و روسیه نشان می‌دهد که استفاده ابزاری از رویدادهای ورزشی بزرگ، بدون نهادهای سازشی اصول حکمرانی خوب، ممکن است در کوتاه‌مدت به بهبود تصویر ملی منجر شود، اما در بلندمدت به فرسایش اعتماد بین‌المللی، ابزاری برای پنهان‌سازی نقص‌ها و تقویت روایت «شستشوی ورزشی» می‌انجامد. از این منظر، دیپلماسی ورزشی نه یک ابزار مستقل، بلکه بخشی از اکوسیستم حکمرانی جهانی است که اثربخشی آن به کیفیت سیاست‌گذاری داخلی و تعهد واقعی دولت‌ها به ارزش‌های جهانی وابسته است. با وجود یافته‌های معنادار این پژوهش، نتایج آن باید با در نظر گرفتن برخی محدودیت‌ها تفسیر شود. نخست، ماهیت کیفی پژوهش و تمرکز بر دو مطالعه موردی شاخص، امکان تعمیم آماری یافته‌ها را محدود می‌کند، هرچند عمق تحلیلی و فهم زمینه‌مند پدیده دیپلماسی ورزشی را افزایش داده است. دوم، اتکای پژوهش بر داده‌های اسنادی و گزارش‌های رسمی و

آکادمیک، دسترسی به دیدگاه‌های مستقیم کنشگران سیاست‌گذار و مجریان اجرایی را محدود ساخته است. سوم، تحولات ژئوپلیتیکی پس از سال ۲۰۱۸، به‌ویژه در مورد روسیه، می‌تواند برداشت‌های جدیدی از پیامدهای بلندمدت دیپلماسی ورزشی ایجاد کند که خارج از دامنه زمانی این مطالعه قرار داشته است. این محدودیت‌ها می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های آینده فراهم آورد. بر این اساس، تجربه چین و روسیه نشان می‌دهد که موفقیت دیپلماسی ورزشی در کشورهای در حال توسعه، نه صرفاً به میزبانی رویدادهای بزرگ، بلکه به طراحی نهادی، شفافیت سیاست‌گذاری و هم‌سویی ورزش با اصول حکمرانی خوب جهانی وابسته است.

کشورهای در حال توسعه مانند ایران می‌توانند با بهره‌گیری هدفمند از دیپلماسی ورزشی، جایگاه خود را در صحنه بین‌المللی تقویت کنند. این امر مستلزم ایجاد سازوکار نهادی منسجم، از جمله تشکیل شورای ملی دیپلماسی ورزشی با مشارکت وزارت ورزش و جوانان، وزارت امور خارجه و فدراسیون‌های ورزشی است. چنین نهادی باید بر شفافیت، پاسخگویی، مشارکت ذی‌نفعان (ورزشکاران، مربیان و جامعه مدنی) و هم‌راستایی سیاست‌های ورزشی با اهداف دیپلماسی عمومی تمرکز داشته باشد. همچنین، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ورزشی پایدار و میزبانی رویدادهای بین‌المللی، می‌تواند همکاری‌های منطقه‌ای را تقویت کند. این رویدادها باید با استانداردهای بین‌المللی مانند منشور IOC و یونسکو هم‌خوانی داشته باشند و بر پایداری محیطی و برابری جنسیتی تأکید کنند. استفاده از ورزشکاران برجسته ایرانی به‌عنوان سفیران فرهنگی در رویدادهای بین‌المللی، و اجرای برنامه‌های آموزشی برای ارتقای مهارت‌های دیپلماتیک این ورزشکاران ضروری است و می‌تواند به تقویت قدرت نرم ایران کمک کند. ایران می‌تواند با استفاده از رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال، رویدادهای ورزشی را به‌عنوان ابزاری برای دیپلماسی عمومی ترویج دهد. کمپین‌های آنلاین برای نمایش فرهنگ و ارزش‌های ایرانی می‌تواند جذابیت فرهنگی را افزایش دهند. تمرکز بر پایداری محیطی و پیاده‌سازی سیاست‌های سبز (مانند استفاده از انرژی تجدیدپذیر و مدیریت زباله) و ایجاد مکانیسم‌های نظارتی مستقل برای مدیریت بودجه‌های ورزشی و قراردادهای همراه با حسابرسی منظم، می‌تواند تصویر جهانی ایران را به‌عنوان یک کشور مسئول بهبود بخشد. با این حال، تحقق این اهداف بدون پایداری عملی به اصول حکمرانی خوب، از جمله

شفافیت، برابری جنسیتی، پایداری محیطی و مقابله با فساد، ممکن نخواهد بود و در غیر این صورت، دپلماسی ورزشی نیز در معرض خطر شستشوی ورزشی قرار خواهد گرفت.

#### فهرست منابع

- Abdi, K., Talebpour, M., Fullerton, J., Ranjkesh, M. J., & Jabbari Nooghabi, H. (2018). *Converting sports diplomacy to diplomatic outcomes: Introducing a sports diplomacy model*. International area studies review, 21(4), 365-381. 10.1177/2233865918808058
- Algamedi, S. (2025). *Rhetoric of Soft Power and Public Diplomacy: A Case Study of Saudi Arabia* (Doctoral dissertation, Duquesne University). <https://www.proquest.com/openview/2126179a23b11004b8dc6679ace92b1c/1?pq-origsite=gscholar&cbl=18750&diss=y>
- Amnesty International. (2018). *Russia: Exploited workers build World Cup stadiums*. <https://www.amnesty.org/en/documents/eur46/7895/2018/en/>
- Ayverdi, B., Algün-Doğu, G., Sunay, H., & Başar, Ü. (2025). *Olympic diplomacy and international relations: Reflections from the Paris 2024 games*. Mediterranean Journal of Sport Science, 8(1), 61-80. <https://doi.org/10.38021asbid.1619938>
- Baldwin, D. A. (2013). *Power and international relations*. In *Handbook of International Relations* (Vol. 2, pp. 273-297). Sage Publications. [https://www.wti.org/media/filer\\_public/8d/28/8d28ef7e-2d5f-4f02-ae72-e57837aea39a/handbook\\_of\\_international\\_relations.pdf](https://www.wti.org/media/filer_public/8d/28/8d28ef7e-2d5f-4f02-ae72-e57837aea39a/handbook_of_international_relations.pdf)
- Beebejaun, K., Pebody, R., Ciobanu, S., Pukkila, J., Smallwood, C., & Perehinets, I. (2022). *UEFA Euro 2020: lessons from the first multi-city international mass gathering during the COVID-19 pandemic*. Epidemiology and infection, 150, e182. <https://doi.org/10.1017/S095026882200156X>
- Brand Finance. (2025). *Global Soft Power Index 2025: Ranking the most diplomatic nations*. Brand Finance Publications. <https://internationalinvestment.biz/en/research/5492-global-soft-power-index-2025-ranking-the-most-diplomatic-nations.html>
- Çevik, S., & Padilha, T. (2024). *Measuring soft power: A new global index* (IMF Working Paper No. 2024/212). International Monetary Fund. 10.5089/9798400289576.001
- Chadwick S., Anagnostopoulos C. (2024). *A geopolitical economy of football: The case of Qatar*. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 16(2), 331–338. <https://doi.org/10.1080/19406940.2023.2288815>
- DiploFoundation. (2024). *Sports diplomacy*. Diplomacy.edu. <https://www.diplomacy.edu/topics/sports-diplomacy/>
- El-Dabt, L., AlReshaid, F., Park, K., AlBuloushi, N., & Al-Enzi, A. (2025). *Sustainable strategic nation branding through sports: Leveraging soft power via mega-event hosting*. Frontiers in Sociology, 10, 1521396. <https://doi.org/10.3389/fsoc.2025.1521396>
- FIFA. (2023). *FIFA World Cup 2026™ – Host announcement*. <https://www.fifa.com/tournaments/mens/worldcup/canadamexicousa2026>
- FIBA. (2024). *Women in Basketball Strategy 2023-2027*. <https://about.fiba.basketball/en/organization/strategy/women-in-basketball>

- Fitts, R. K. (2012). *Banzai Babe Ruth: Baseball, espionage, and assassination during the ۱۹۳۴*. *Journal of American Studies*, 46(1), 1-11.
- Gargalianos, D. (2025). *Sports Diplomacy*. In P. Naskou-Perraki (Ed.), *Contemporary Diplomatic and Consular Relations*. Springer, Cham. [https://doi.org/10.1007/978-3-031-۹۹۲۴۳-۸\\_۱۱](https://doi.org/10.1007/978-3-031-۹۹۲۴۳-۸_۱۱)
- Grix, J., & Houlihan, B. (2014). Sports mega-events as part of a nation's soft power strategy: The cases of Germany (2006) and the UK (2012). *The British Journal of Politics and International Relations*, 16(4), 572-596.
- Human Rights Watch. (2018). *Russia: World Cup stadium workers abused*. <https://www.hrw.org/news/2018/06/14/russia-world-cup-stadium-workers-abused>
- IAS Express. (2025). *National Sports Governance Bill 2025: Key Reforms*. <https://www.iasexpress.net/national-sports-governance-bill-2025/>
- Kobierecki, M. M. (2020). *Sports diplomacy: Sports in the diplomatic activities of states and non-state actors*. Lexington Books.
- Kissinger, H. (1994). *Diplomacy*. Simon & Schuster.
- Kozman, C., & Anghelcev, G. (2025). *Toward a Measurement Tool for Sports Diplomacy in the News: The Case of the FIFA World Cup Qatar 2022*. *Communication & Sport*, 0(0). <https://doi.org/10.1177/21674795251403969>
- Murray, S., & Pigman, G. A. (2014). Mapping the relationship between international sport and diplomacy. *Sport in Society*, 17(9), 1099-1118.
- Nye, J. S. (1990). *Soft power*. *Foreign Policy*, 80, 153-171.
- Ogunseye, I. I. (2023). The concept of national interest and diplomacy in international relations: An endless debate. *ACU Journal of Social and Management Sciences*, 4(1), 1-15. <https://doi.org/10.5281/zenodo.1234567>
- Picazo, R. D. (2025). *Djokovic's Union Sues Tennis Governing Bodies. Inside the Games*. <https://www.insidethegames.biz/articles/1152409/djokovic-union-tennis-governing-abuses>
- Rookwood, J. (2019). Access, security and diplomacy: Perceptions of soft power, nation branding and the organisational challenges facing Qatar's 2022 FIFA World Cup. *Sport, Business and Management*, 9(1), 26-44.
- Snyder, S. (2018). *North Korea's Olympic diplomacy*. Council on Foreign Relations. <https://www.cfr.org/expert-brief/north-koreas-olympic-diplomacy>
- UEFA (2023). *UEFA EURO 2028 and 2032 hosts confirmed*. <https://www.uefa.com/news-media/news/0286-1923eef9a9a6-68c007509a1b-1000--uefa-euro-2028-and-2032-hosts-confirmed/>
- UNESCO. (2023). *Global framework of sport and physical education policy standards (MINEPS VII outcomes)*. <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000386738>
- United Nations Environment Programme (UNEP). (2009). *Beijing 2008 Olympic Games: An environmental review*. <https://www.unep.org/resources/report/beijing-2008-olympic-games-environmental-review>
- UNESCO. (2015). *International Charter of Physical Education, Physical Activity and Sport*. Retrieved from <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000245653>
- Kobierecki, M. M. (2019). *The Domestic Dimension of Sports Diplomacy*. Review of Nationalities. PDF download: [https://www.researchgate.net/publication/341922742\\_The\\_domestic\\_dimension\\_of\\_sports\\_diplomacy](https://www.researchgate.net/publication/341922742_The_domestic_dimension_of_sports_diplomacy)

- Kobierecki, M. M., & Kobierecka, A. (2025). *Sports Diplomacy Surrounding the IOC's Response to the Russian Invasion of Ukraine*. *International Journal of the History of Sport*. (Article link: <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/09523367.2025.2518322>)
- Machiavelli, N. (1532/2010). *The Prince*. University of Chicago Press. The Prince — Second Edition, University of Chicago Press
- Rookwood, J. (2019). *Access, security and diplomacy: Perceptions of soft power, nation branding and the organisational challenges facing Qatar's 2022 FIFA World Cup*. *Sport, Business and Management: An International Journal*, 9(1), 26-44.
- Møller, A. H. K., Adler-Nissen, R., Golovchenko, Y., & Eggeling, K. A. (2024). *The social aesthetics of digital diplomacy*. *International Political Sociology*, 18(3), olae027. <https://doi.org/10.1093/ips/olae027>
- Raza, M. A., Nawaz, A., & Mustafa, G. (2025). *Sports Diplomacy as a Tool of Soft Power in Contemporary International Relations*. *Global Physical Education and Sports Sciences Review*, VIII(II), 1-12. [https://doi.org/10.31703/gpressr.2025\(VIII-II\).01](https://doi.org/10.31703/gpressr.2025(VIII-II).01)
- The economics of the FIFA World Cup 2018 in Russia. (2018). Instarem. <https://www.instarem.com/blog/the-economics-of-the-fifa-world-cup-2018-in-russia/>
- Morgenthau, H. J. (1948). *Politics among nations: The struggle for power and peace*. Alfred A. Knopf.
- Postlethwaite, V., Jenkin, C., & Sherry, E. (2023). *Sport diplomacy: an integrative review*. *Sport Management Review*, 26(3), 361–382. <https://doi.org/10.1080/14413523.2022.2071054>
- Snelling, D. (2017). *Lefty O'Doul: Baseball's Forgotten Ambassador*. University of Nebraska Press.



## Sports Diplomacy: The Connection Between Soft Power and Global Good Governance in International Relations

bahareh nekoonam<sup>۱</sup>

### Abstract

Sports diplomacy has become one of the key instruments of soft power for countries in international relations in recent decades; however, the role of global good governance in strengthening or weakening the effectiveness of this tool has received limited theoretical and empirical scrutiny. The primary objective of this study was to examine the impact of global good governance on the functioning of sports diplomacy within the framework of soft power. This research adopted a qualitative approach with a comparative case study design, analyzing two major events—the 2008 Beijing Olympics and the 2018 FIFA World Cup in Russia—based on Joseph Nye's theoretical framework of soft power. Data were collected from official documents of international institutions, monitoring reports, and credible academic sources, and analyzed using thematic analysis. The findings revealed that sports diplomacy in both events performed relatively successfully in the dimension of “cultural and symbolic attractiveness” of soft power; however, weaknesses in aspects of good governance—particularly transparency, accountability, and respect for fundamental rights—undermined the sustainability and international credibility of these achievements. The comparative results between China and Russia indicate that soft power generated through sports diplomacy, in the absence of good governance, tends to have a short-term and predominantly domestic function rather than leading to lasting influence in the international system.

### Keywords:

Sports Diplomacy, Soft Power, Good Governance, Beijing Olympics, Russia World Cup.

---

<sup>۱</sup>. Assistant professor of sport science department, Rahman Institute of Higher Education, Ramsar, Mazandaran, Iran